

إِسْمُ مُحَمَّدٍ  
أَبِي أَحْمَدٍ الْكَلْبَلَاءِيِّ



برای:  
پدر بزرگوار و مادر نازنینم...

اکنون که به لطف یزدان پاک این رساله به پایان رسید، بر خود واجب می دانم، احترامات خالصانه خود را نثار اساتید محترم راهنما و مشاورم، سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور و سرکار خانم دکتر امید بهبهانی کرده و سپاسگذار زحمات بی دریغ این بزرگواران باشم که در تمام مراحل تحصیل و انجام پایان نامه با راهنمایی ها و ارشادات ارزشمندشان مرا یاری نمودند.

همین طور دوستان و همکلاسی های عزیزم که ایده های ناب خود را هیچ گاه از من دریغ نکردند.

و نیز پدر و مادر نازنینم، یگانه مشوقان و تکیه گاهانم در زندگی. همچنین، همسرم که با صبر و شکیبایی خود، مرا تا ابد مدیون خود ساخت.

## چکیده

عنوان این پایان نامه «گیاهان و درختان در اساطیر و باورهای ایران و بین‌النهرین» می‌باشد. در این پایان نامه، گیاهان و درختان اساطیری ایران و کاربردهای آئینی آنها مورد بررسی قرار گرفته و نیز توضیحاتی در مورد نقش برخی از آنها در باورها، آئین‌ها و جشن‌های ایرانی آمده است. پایان نامه دارای بخش‌های ذیل می‌باشد: پیش‌گفتار: شامل مطالبی کلی درباره انواع گیاهان و درختان و قداست آنها در باورهای ایران و بین‌النهرین است و نیز توضیحاتی درباره روش کار، کارها و پژوهش‌های پیشین در ادامه آمده است. متن اصلی: شامل 3 فصل است. در فصل نخست قداست گیاهان و درختان و در فصول بعدی به ترتیب، کاربردهای آئینی و گیاهان و درختان در اساطیر غیر ایرانی مورد بحث قرار گرفته است. بخش‌های دیگر این پایان نامه در برگزیده واژه نامه، کتاب نامه و چکیده انگلیسی است. روش تحقیق در این پایان نامه، تماماً کتابخانه‌ای بوده است.

کلید واژه: درخت مقدس، درخت زندگی، اساطیر ایران باستان، بین‌النهرین، هند، گیاه.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: قداست گیاهان و درختان</b>	
11	1-1- درخت مقدس.....
15	2-1- درخت زندگی.....
16	3-1- درخت زندگی در آشور.....
17	4-1- درخت زندگی در لرستان.....
17	5-1- درخت زندگی نزد هخامنشیان.....
17	6-1- درخت زندگی نزد ساسانیان.....
18	7-1- سرو و معانی آن.....
18	8-1- تقدس سرو در ایران - سرو کاشمر.....
20	9-1- چنار.....
21	10-1- انگور.....
22	11-1- امرداد.....
23	12-1- آناهیتا.....
25	13-1- نمادهای گیاهی آناهیتا.....
26	14-1- نمادهای گیاهی مهر.....
28	15-1- ارزش و تقدس درخت در ادیان مختلف.....
29	16-1- درخت در آیین مهر.....
30	17-1- درخت در اوستا.....
30	18-1- درخت در اصول دین مانی.....
31	19-1- درخت در تورات.....
<b>فصل دوم: کاربردهای آیینی</b>	
34	1-2- هوم.....
38	2-2- برسم.....
40	3-2- بوی و برنگ.....
41	4-2- جشن نوروز.....
43	5-2- بهمن جشن.....
43	6-2- یسنا.....
43	7-2- چگونگی گیاهان در متون پهلوی.....

### فصل سوم: گیاهان و درختان در اساطیر غیرایرانی

49.....	1-3- اساطیر نباتی در بین‌النهرین .....
51.....	2-3- نقوش گیاهی در ایران باستان و بین‌النهرین .....
53.....	3-3- نقوش گیاهی در هنر هند باستان .....
54.....	4-3- رودراکشا.....
55.....	5-3- تولسی .....
55.....	6-3- نارگیل .....
56.....	7-3- لوتوس یا نیلوفر.....
60.....	نتیجه‌گیری .....
61.....	کتابنامه .....
66.....	واژه‌نامه.....

## پیش گفتار

برای نگارنده این پایان نامه که تمام زندگی خود را در شهری کویری با پوشش گیاهی اندک گذرانده، همیشه موضوع درختان و گیاهان مهم انگاشته می شده است، وقتی که تنها درختان محاط، تاغزارهای آسوده در خاک کویر بوده اند.

دوری همیشگی از این نعمات خداوندی و تنعمات طبیعت و همینطور مطالعه مقاله درخت مقدس از مرحوم دکتر مهرداد بهار من را برآن داشت تا موضوع پایان نامه خود را بدین صورت انتخاب کنم تا هم دین خود را به اساطیر و باورهای سرزمین مادری ادا کرده و هم آرزوهای کودکی ام را درباره دانستن هر چه بیشتر در این باره تحقق بخشم.

هدف از انجام این پایان نامه، مطالعه و تحقیق درباره درختان و گیاهان اساطیری ایران و بین النهرین و همینطور بررسی آئین های مربوط به آنهاست. از اهداف دیگر این پایان نامه بررسی این نکات است که آیا:

این آئین ها و اعتقادات مربوط به گیاهان و درختان تاثیری بر روی باورهای امروزی مردم داشته است؟

به عبارت دیگر، آیا این اعتقادات و باورها تا امروز ادامه پیدا کرده و در صورت مثبت بودن نتیجه، چگونه تاثیرات خود را گذاشته است؟

تا به حال تحقیق مستقلی درباره بررسی رابطه اساطیر و آئین های مربوط به درختان و گیاهان انجام نشده است به همین دلیل می توان این رساله را در نوع خود اولین دانست.

درختان و گیاهان جز اولین نمادهایی بودند که توسط بشر مورد ستایش قرار گرفتند که انگاره های زندگی و باروری بودند. بسیاری از مردمان تمدن های گذشته، با درختان با احترام بسیاری رفتار می کردند چون درختان را با قدرت های مافوق طبیعی مرتبط می دانستند و در نتیجه اشکال مختلف پرستش و تقدس درختان میان آنها شکل گرفت. نماد شاخص دیگر درختان مربوط به تغییر حالت آنها در فصل ها بود. مشاهده مرگ درختان در زمستان و بازگشت دوباره آنها به زندگی در بهار موجب شد تا نمادی از رستاخیز باشند.

بسیاری از قهرمانان اسطوره ای و دینی که جز رستاخیز کنندگان به شمار می آیند مانند عیسی، ایتیس (خدای باروری و حاصلخیزی در آسیای صغیر و یونان) و اوزیریس، دارای صلیب هستند و صلیب نمادی است که از درخت منشا می گیرد.

میوه درختان را مظهر خدا، دانش یا رازهای پنهان می دانستند. این مفهوم به خاطر قدرت های نمادین بین درختان و دنیای خارج از تصور انسان بوده است.

درخت از گوهر وجودی خود، میوه ها و دانه ها را به بار می آورد و با تکرار این آفرینش، نمادی از جاودانگی را به خود اختصاص می دهد.

به عنوان مثال در داستان پیدایش (تورات) میوه یک درخت، جاودانگی را اعطا می کند.



همچنین از درختان در بعضی اسطوره ها به عنوان جایگاه خدایان یا مظهری از خداوند یاد شده است و در برخی دیگر درخت ها سر منشا آفرینش و خلقت انسانها هستند. در افسانه های اسکاندیناوی آمده است که اولین مرد و زن از درخت زبان گنجشک و نارون قرمز بودند، که خدایان به آنها زندگی بخشیدند. در اسطوره های ایرانی نیز در مورد خلقت آدم این گونه بیان شده که از کیومرث که نمونه اولیه انسان است، نطفه ای بر زمین ریخته می شود و بعد از گذشت چهل سال، شاخه ریواسی از آن می روید. این شاخه دارای دو ساقه و پانزده برگ است که ساقه ها نمادی از مشی و مشیانه اولین زوج آدمی می باشند و پانزده برگ نمادی از سن آنهاست. سرانجام این دو ساقه به صورت انسان در می آیند و روان مینوی به داخلشان نفوذ می کند.

این اعتقاد به خلقت نوع بشر از گیاه در اساطیر دیگر ملل نیز وجود دارد. از جمله در اساطیر اسکاندیناوی بشر از درخت زبان گنجشک به وجود آمده است. در فصل نخست بیان نامه گیاهان و درختان از جنبه های اساطیری و تقدس مورد بحث قرار گرفته و تعدادی از آنها معرفی می شوند.

همچنین مفهوم درخت زندگی مورد بحث قرار می گیرد. فصل دوم مشتمل بر کاربرد درختان و گیاهان از لحاظ آیینی است. فصل سوم درختان و گیاهان غیر ایرانی مورد بحث هستند.

فصل اول:

قداست گیاهان و درختان

### درخت مقدس

درختان دیرگاهی است که نزد انسانها گرامی بوده‌اند. انسان اولیه گمان می‌کرده که درختان نیز مانند جانوران و مردم دارای روان‌اند. این تفکر تنها مختص به مصر و بین‌النهرین باستان نیست و در عصر حاضر نیز اقوام بسیاری از قبیل آفریقایی، آمریکایی و اقیانوسیه‌ای براین باور پا برجا هستند. پرفیری، گیاهشناس باستان، می‌نویسد: «می‌گویند، انسانهای بدوی زندگی غم‌انگیزی داشتند زیرا خرافاتشان به حیوان محدود نمی‌شد، بلکه حتی گیاهان را نیز در برمی‌گرفت، چرا باید کشتن گاو یا گوسفند کاری بدتر از برانداختن درخت صنوبر یا بلوط باشد مگر نه اینکه این درختان هم جان دارند؟» (فریزر، 1387، 153).

اما گاهی فقط نوع خاصی از درختان دارای روح تلقی می‌شدند. در غربالی دالماسی می‌گویند در بین درختان بزرگ راش و بلوط و جز آن درخت‌هایی هستند که سایه یا روح دارند و اگر کسی یکی از آنها را بیندازد، در جا می‌میرد و یا دست کم بقیه‌ی عمرش ناتوان می‌شود (همان، ص 153) در برخی تمدن‌ها قداست درخت به حدی است که کلیه صفات و خصوصیات خدایان و الهه‌ها را داراست و به همین دلیل از بین بردن آن نوعی گناه محسوب می‌شده است. در قرون وسطی عقیده بر منزل داشتن پریان در درخت بوده است. از این رو در نزدیکی هر روستا درخت پریان یافت می‌شد که آن را با تاج گل می‌آراستند و دخترکان جوان دورش به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. (دوبوکور، 19، 1360)

اعتقاد به داشتن روح در درختان و در نتیجه تقدس یافتن آنها در اروپا باعث بوجود آمدن آئین‌هایی نیز شده بود که حتی در قرن بیستم نیز رواج داشتند.

در تاریخ ایران و بین‌النهرین موارد خاصی از درختان و گیاهان به دلیل برخی خصوصیات ذاتی دارای تقدس بیشتری بوده‌اند. این تقدس هنوز هم در باورها بقایایی دارد. مانند درخت سرو و درخت چنار. هر درخت سمبلی است برای خصیصه‌ای.

در هند شمالی درخت کتان درخت مقدسی است و در یازدهم ماه فالگون (فوریه) با آئین خاص خطاب به آن برای باروری زنان و حیوانات و محصول دعا می‌کنند و همینطور نیز در هند، درخت نارگیل آنگونه مقدس است که در تمامی معبدها نگهداری می‌شود و چون مانند درخت کتان مظهر باروری است، برای زنان جنبه‌ای دیگر دارد. (پرادا، 1375، 308)

در ایران تقدس درختان بیشتر جنبه‌ی برکت بخش را شامل می‌شده است دکتر بهار در مقاله‌ی درخت مقدس خود از سرو، خرما، انار و چنار به عنوان درختان برکت بخشنده در ایران نام برده است. (بهار، 1384، 156)

درخت نخل نزد هنر هخامنشی و ساسانی درختی مقدس نام برده شده است و ما نمونه‌هایی از آن را در زمان ساسانی در گچ‌بری‌های بیشاپور می‌توانیم ببینیم که درون این کنگره‌ها یک درخت خرما‌ی تزئینی سربرافراشته. هر نخل دو جفت برگ خرما به شکل بال دارد که یکی در بالای دیگری است بال‌های برگ خرما‌ی امکان دارد اصیل‌ترین شکل برگ خرما‌ی تزئینی ساسانی باشد. (تذهیبی و شهبازی، 1380، 77 تا 73)

روی مهرهای ساسانی نقوش گیاهی مربوط به درخت نخل که مقدس بوده و دو جانور شاخ‌دار در دو سوی این درخت ایستاده‌اند دیده می‌شود. (تصویر یک)

در ایران باستان درخت خرما مقدس شمرده شده و میوه‌های آن جنبه باروری دارد و همچنین در زمان هخامنشی و ساسانی به درخت زندگی مطرح بوده است. (رنگ‌چی، 1373، 33)

درخت سرو درختی است همیشه سبز و تا حدودی جنبه مذهبی دارد. نمونه‌ای از این درخت را می‌توان در زمان هخامنشی در بدنه پلکان‌های شرقی کاخ آپادانا در تخت جمشید مشاهده نمود، زیرا در نظر ایرانیان باستان در آن زمان درخت سرو از اهمیت زیادی برخوردار بوده و سمبل گیاهی نامیده می‌شده است. ضمن اینکه به درخت زندگی در میان مردم مشهور بوده است (امیرحسین ذکرگو، از کوروش تا آشوکا، هنرنامه، ش 1، سال اول، تهران پاییز 1377، ص 14)

سابقه کهن و اساطیری نیلوفر نزد ایرانیان و هندیان به حدی است که آثار نیلوفر هشت و دوازده و حتی هزار برگ را در معماری و آثار باستانی این دو قوم به وضوح می‌توان دید.

در روایت کهن ایران گل نیلوفر (لوتوس) را جای نگهداری تخمه یا فر زرتشت، که در آب نگهداری می‌شد، می‌دانستند و از این رو، نیلوفر با آئین مهری پیوستگی نزدیک می‌یابد. نیلوفر که در یادگارهای هنری «بودایی» فراوان دیده می‌شود، یک نماد بودایی تصور شده و به همین جهت این گونه یادگارها را از آئین بودا پنداشته‌اند، در حالی که به آئین مهر مربوط می‌شود. (دادور، منصور، 104.1385)

در روزگاران باستان، گویا آب نیلوفر را که خوش بو هم بوده و همانند می و باده و به منزله نوعی هوم می‌نوشیده‌اند.

رنگ کبود نیلوفر، علاوه بر تصاویر معمولی گاهی مظهر ماتم و عزا هم به حساب آمده است. (همان، 1-5)

می‌دانیم که جشن نیلوفر جشنی بوده که ایرانیان قدیم برپا می‌کردند. اعتقاد به جنبه‌های اساطیری نیلوفربابی و استفاده از نقش نمادین آن در مراسم رسمی و درباری نیز متجلی شده است، نقش این گل را می‌توان در صحنه‌هایی چند در نقوش برجسته تخت جمشید مشاهده کرد. (تصویر دو)

در ایران باستان که نیلوفر سمبل و نشانه زندگی و آفرینش است ابتدای آن در آئین مهری ظهور پیدا می‌کند و به گفته بودا در صحنه‌زایش مهر، آن چیزی که مانند میوه کاج است و مهر از آن بیرون می‌آید غنچه نیلوفر است نه صخره ولی تصویر خاصی از این صحنه در اختیار ما نیست.

در زمان هخامنشیان این گل در مراسم رسمی و درباری متجلی می‌شده است و در صحنه‌هایی چند در مجاری‌های تخت جمشید می‌توان به نقش این گل پی برد، نمونه‌ای از تصویر این گل در بدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا ترسیم شده است.

گل نیلوفر را می‌توان در تخت جمشید از جمله ستون‌های تخت جمشید (سرستون‌هایی که بعضی حیوانات اساطیری روی آن قرار گرفته‌اند) دید. در تالار صدستون در نقوش بالای تخت شاه می‌توان مشاهده کرد که در پائین پای نقش شیر جای گرفته است. (گیرشمن، 1375، 239)

درباره تصویر مربوط به گل نیلوفر در زمان ساسانیان باید به نقش منصب یافتن اردشیر اول از اهورامزدا روی کنگره‌های ساسانی یاد کرد. در تصویر زیر پای اهورامزدا سمبل گل نیلوفری جای گرفته که، نشان آفرینش و زندگی است و نقش مذهب در قدرت شاهی را نشان می‌دهد.

در زمان ساسانیان روی یک سری از گچ‌بری‌های تیسفون و بیشاپور نقش روزت‌های ساسانی که همان گل نیلوفر است دیده می‌شود. نکته مهم در این تصویر قرار گیری این نقوش در طرح‌ها و موتیف‌های گرد است. (موله، 1360، 52)

نقوش گیاهی در قالی‌های هند و ایران که جزو لاینفک عناصر بصری قالی‌ها هستند ریشه‌های مشترکی در بطن هر یک از آنها حضور دارد که نقش عمده‌ای در اهمیت به کار گیری آنها داشته است.

نیای باستانی گل اناری (گل شاه عباسی به دلیل کاربرد فراوان در دوران شاه عباس صفوی) نیلوفر آبی دانسته شده که در ایران باستان نماد ظهور و تجلی است. نیلوفر آبی گلی گرد به صورت 12 پر یا 8 پر یا غنچه در حجاری‌های هخامنشیان و اشکانیان و نیز زیر پای ایزد ناهید در دوران ساسانی بکار می‌رود. ایزد مهر نیز تولدی برهما گونه از میان نیلوفر آبی داشته و بدین ترتیب ارتباط تنگاتنگی میان نیلوفر آبی باستانی با دو ایزد آناهیتا و مهر وجود دارد.

همانگونه که پیشتر آمد درخت در ایران از تقدس والایی برخوردار است و تحت نظریه درخت زندگی این تقدس توجیه می‌شود. اعتقاد به این که درخت محور مشترکی است که جهان آسمانی و زمینی و زیرین را به یکدیگر متصل می‌کند سابقه‌ای دیرینه در دوره قبل از اسلام دارد. (P.R.J.Ford, oriental carpet design) Thomas and Hudson, 2<sup>nd</sup> Edition. Singapore. p.106

اهمیت درخت سرو را در دوران هخامنشی از نقش درخت سرو در حجاری‌های تخت جمشید می‌توان استنباط کرد. اما در دوران اسلامی تقدس درخت تبدیل به احترام به درخت به عنوان آیه‌ای از آیات خداوند می‌شود و این اعتقاد که در پای هر درختی بزرگ مرد یا امامزاده‌ای به خاک سپرده شده است در ذهن ایرانیان جای می‌گیرد. (بهار، 1384، 47)

درخت نماد بی‌مرگی خرمی پایندگی آرامش و زیبایی است. نیلوفر آبی همچنین در هند نماد ظهور برهما است. این گل در دوران بودیسم اهمیت بیشتری می‌یابد. در این دوره نیلوفر آبی تحت اصل همانندی و تناظر انسان و عالم به نماد دل و حکمت مبدل می‌گردد. (بلخاری، 1384، 34)

درخت انجیر در هند مقدس شمرده می‌شود چون در دوره بودیسم اعتقاد بر این است که بودا زیر درخت انجیر به مرحله روشنگری رسیده است و در دوره‌ای به عنوان درخت بودا پرستش می‌شد.

## درخت زندگی

از زمان‌های خیلی دور عوامل طبیعی همیشه انسان، خانه، گله و محصولات کشاورزی را تهدید می‌کرد. برای جلب حمایت، آن عوامل مورد پرستش قرار می‌گرفت. درخت به عنوان نماد و نشانه‌ی جنگل همیشه مورد احترام و پرستش انسان بوده است. درخت معمولاً در نقاط مرطوب یا جاهایی که با دست آبیاری می‌شود نمو می‌کند با وجود این گاهی در وسط بیابان مسافری، تک درختی را مشاهده می‌کند. وجود این درخت در چنین جایی، محل براعجاز شده و مورد احترام عابرین قرار می‌گیرد. (گدار، 13، 1358 و مهراز، 20، 2535)

آنچه که در فرهنگ و ادبیات و همچنین هنر ایران با نام درخت زندگی مرسوم است ریشه در اعتقادات اقوام نخستین دارد و در ادیان مختلف از آن صحبت به میان آمده است.

درخت زندگی و ستایش آن در دین بابل و آشور باستان جایگاه نمایانی داشته است. دانشمندان به هنگام کاوش در شهرهای این دولت‌ها که دیرزمانی است از میان رفته‌اند، اغلب با نقش گاو بالدار مواجه می‌شدند که در برابر درخت‌های زندگی ایستاده یا زانو زده‌اند. این نقش‌ها گاهی بر سینه‌ی کوه‌ها و نگاره‌های کاخ‌ها و معابد و روی مهرهای سنگی و گلین دیده می‌شوند. از بابل و آشور ستایش درخت زندگی بخش به دین یهود وارد شد.

در دین‌های آسیای صغیر، درخت زندگی را ستایش می‌کردند و در آنجا این درخت با اعتقاد به خدایان میرنده و زنده‌شونده‌ی نباتات وابسته بود.

نماد درخت زندگی بخش از این طریق به مسیحیت راه یافت و به وسیله صلیب بدون میانجی به مسیح بسته شد که او نیز به اعتقاد مسیحیان، خدای میرنده و زنده‌شونده است و ستایش چوپ زندگی بخش برای صلیب نیز از دین‌های کهن‌تر و پیش از مسیحیت به آن راه یافته است.

قدیمی‌ترین نقوشی که از این درخت به دست آمده در سومر بوده است که حیواناتی از آن نگهداری کرده یا آن را می‌چرند. نقش درخت زندگی زمانی نخل (به خصوص نزد اقوام بین‌النهرین) و گاهی کاج و زمانی سرو بوده است. (تصویر سه)

بر روی یک لوحه‌ی بسیار زیبا که در کوه‌دشت لرستان بدست آمده و متأسفانه بیش از نیمی از آن از بین رفته، درخت مزبور را دو گاو بالدار احاطه کرده‌اند. این درخت همان نخل مقدس سومر است.

زیر پای گاو بالدار دو مار درهم پیچیده دیده می‌شود. وجود مار در کنار این درخت شاید اشاره‌ای به داستان تورات باشد و از طرفی وجود نخل، مار و گاوها در کنار یکدیگر همگی منسوب به خدای باروری (ایشتار بین‌النهرین یا آناهیتای ایرانی) هستند. (گدار، 1358: 57)

همچنین در شوش پایتخت عیلام، تصویری از دو بز کوهی در طرفین درختی که بر روی مهرها در داخل معابد و کاخ‌ها و حتی روی طلسم‌ها نقش شده، دیده می‌شود. چند سال قبل شرق‌شناس معروف فرانسوی «دکتر جرج کونتنو» که موفق به قرائت مقدار کثیری از کتیبه‌های عیلامی شد، کتابی تحت عنوان (سرنوشت رستم عیلام یا قصه گیل گمش) چاپ کرد و معلوم شد که نقش این بزها مربوط به عقاید مذهبی آن زمان است و درختی که در میان آنها قرار گرفته میوه‌هایی دارد که خوردن آن به هرکس حیات و جاودانگی می‌دهد.

گیل گمش برای دست یافتن به این درخت می‌رود و تمام موانع خارق‌العاده را که خدایان سر راهش گسترده بودند مرتفع می‌کند ولی همین که به نزدیک آن درخت می‌رسد، طی اتفاقاتی، موفق به خوردن میوه آن نمی‌شود. گیل گمش در حدود هزاره اول قبل از میلاد، خدای شماره یک مردم آریایی نژاد ناحیه‌ی لرستان شد و از آن روز اجداد کردها و لرهای امروزی، بارها دو بز کوهی و درخت موعود را روی طلسم‌های خود تصویر کرده‌اند و در معابر خود قرار داده تا آرزوهایشان برآورده شود. (پرویز بهنام، تصویر جانوران در هنر ساسانی، مجله سخن، ش 3، صص 199-197)

گیل گمش در سومر به عنوان خدای بزرگ جبال، طوفان، خدای باران‌های نیکونمایانده شده است و در هر منطقه‌ای نام خاصی به خود گرفته است. نمایش حیوانی‌اش، گاو نر و بز کوهی و همسرش الهه‌ی بزرگ است که در سومر عیلام و ایران پرستیده می‌شده است. (گدار، 1358: 44)

در اساطیر هند نیز، درخت زندگی دارای قدرت بازگرداندن جوانی است. این درخت پاريجاتی نام دارد، درخت بهشتی آرزو که بعد ها در بهشت ایندرا کاشته شد و به همسرش ایندرانی تعلق یافت. نام دیگر این درخت کالا است و تماشای آن جوانی را باز می‌گرداند. (ابونس، 1381: 126)

### درخت زندگی در آشور

درخت زندگی در آشور نگهبانانی داشته به شکل نیم‌انسان و نیم‌حیوان. از پلاک عاجی که در زیویه یافت شده، نقش دو بز به چشم می‌خورد که مشغول خوردن میوه‌ی درخت زندگی می‌باشند. در اینجا درخت به شیوه درختان آشوری بوده و حالت بزها یادآور داستان گیل گمش می‌باشد.



### درخت زندگی در لرستان

نمونه‌ای از درخت زندگی در مفرغ لرستان مربوط به ته‌سنجاق مفرغی است (1200-1000 ق.م) بر مرکز لوحه با برجستگی زیاد سری نقش شده و در دو سوی آن دو پیرمرد که از کاهنان هستند نخلی در دست دارند ماری که کاهن سمت چپ دمش را گرفته و نخل در بین‌النهرین - چنانکه قبلاً اشاره شد - از نمادهای الهه‌ی باروری است. (بررسی‌های تاریخی، مرداد 1348، ساغرای مفرغی لرستان، صص 29، 30)

همچنین سر سنجاق مفرغی از هنر لرستان بدست آمده که دو جانور گربه‌سان را در دو سوی درخت نخل (زندگی) نشان می‌دهد. نمونه دیگر نواری است از جنس مفرغ که بر روی آن دو گاو نر در دو سوی یک درخت حکاکی شده است.

### درخت زندگی نزد هخامنشیان

استفاده از نقش درخت نخل بر روی نقوش هخامنشی و در تجسم سر ستون‌های شوش و تخت جمشید قرار دادن گل چند پر با برگ خرما که در تزئینات این دوره بکار رفته است از هر آشور الهام گرفته شده است. (شاه‌حسینی، 63، 1363) همچنین ستون‌ها نمودار درخت نخل بوده و سر ستون‌ها و پایه ستون‌ها در تخت جمشید نمودار نخل مقدس و طوق سرستون‌ها، نمایشی از برگ‌های پژمرده آن است. باید اضافه کرد که نقش نخل بر روی پلکان‌ها و دیوارهای تخت جمشید نیز دیده می‌شود. (پوپ، تخت جمشید، شهر مذهبی بوده است، مجله سخن ص 1102)

### درخت زندگی نزد ساسانیان

چنانکه گفته شد نماد درخت زندگی نزد اقوام مختلف در تمدن‌های باستانی ایران با هر فرهنگ و مذهبی که بودند نقش عمده‌ای داشته است و از دیرباز به صورت نقشی تزئینی درآمده و تا دوره ساسانی ادامه داشته، چنانکه در زمره یکی از نقوش اصلی درمی‌آید. نقش درخت با حیوانات در طرفین به صور مختلف مانند درخت و نقش پرنده، درخت و نقش بز کوهی یا میش، درخت یا نقش حیوانات اساطیری و موارد دیگر بر روی قالی، ظروف فلزی، دیوارهای کاخ و سفال این دوره مشاهده می‌شود و پس از ورود اسلام به ایران این نقش در سراسر دولت و امپراطوری اسلامی گسترش می‌یابد و حتی ردپای این فرم را در هنر بیزانس و روم نیز یافت می‌شود. (شاه‌حسینی، 63، 1363-)

## سرو و معانی آن

سرو درخت همیشه سبز معروف در عربی «سرو» و «سروه» و گاه «شجره الحیوه» نامیده می‌شود. چه گویند در هر جا سرو است مار هم هست. اصل سرو کلمه‌ای است اکدی و آن نام درختی است که در جزیره سسیل به طور خودرو وجود دارد و در لبنان و کوه‌های قبرس (که احتمالاً با کلمه سرو هم ریشه است) نیز کاشته می‌شود.

سرو هنگام سوختن خوشبوست و بدین علت مورد توجه بوده و از قدیم چوب و درخت آن را فن‌ناپذیر و جاودانی تصور می‌کردند. در ساختن مجسمه‌ها و کشتی‌ها و گردونه‌ها مورد استفاده بوده است.

نقشی که بر شالهای ترمه و قلمکارهای اصفهان دیده می‌شود، شکل سروی است که نوک آن بر اثر وزش باد خم شده است و این نشان دهنده آن است که از روزگاران کهن مردم به این درخت توجه خاصی داشته‌اند.

سرو راست قامت به علل فوق از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده و سرو سهی که قامتش راست است، همچنین سروناز که شاخه‌هایش متمایل است و سرو آزاد که شاخه‌هایش راست رسته و یا چون از قید کجی و ناراستی و پیوستن به شاخ درختان دیگر فارغ است، به این نام معروف شده‌اند. صفت آزادی به سرو یادگار ارتباط آن با ناهید است که در اساطیر و افسانه‌ها رمزی از آزادی و آزادی به شمار می‌رود. (یاحقی، 1369، 245)

## تقدس سرو در ایران - سرو کاشمر

یکی از نقشهای تکراری و جداکننده در تخت جمشید درخت سرو است سرو با آئین زرتشتی و سنن ایرانی همبستگی خاصی دارد. اصولاً این درخت همیشه بهار نشانه‌ای است از جاودانگی روح و زندگی.

در شاهنامه فردوسی می‌خوانیم که زرتشت پیامبر، سروی کاشت و این درخت بهشتی شد و مرگ ناپذیر که به «سرو کاشمر» شهرت یافت زرتشتیان این درخت را درخت بهشتی خطاب می‌کنند که برگش دانش است و برش خرد و هر کس میوه آن را بچشد جاودانه خواهد شد. درخت سرو در عین حال مظهري است از جنبه‌ی مثبت و مفرح روح و زندگی مذهبی و از این روست که هنوز هم مکانهای مقدس در ایران با سرو احاطه می‌شوند. (مهدی غروی، نقوش مقدس، مجله بررسی‌های تاریخی، ش 4 ص 174)

همچنین در متن‌های تاریخی بعد از اسلام به سرو عظیمی برمی‌خوریم که با زرتشت پیوستگی دارد و تا اواسط قرن نهم میلادی برپا بوده است چنان‌چه در تاریخ بیهقی ذکر شده است، متوکل خلیفه عباسی که مشغول ساختن بنای جعفریه بوده و آوازه این سرو به گوشش رسیده بود، دستور داد که این سرو را ببرند و با گردون به بغداد بفرستند تا وی آن را ببیند و در بنایش به کار برد، وقتی که سرو را بریدند پرندگان بسیاری که در آن سرو منزل داشتند به زاری پرداختند و همین‌طور آدمیان و گوسپندان و وحوش و سباع. آن روزی که درخت به یک منزلی جعفریه رسید، آن شب غلامان، متوکل را کشتند و او سرو را ندید و از آن برخوردار نیافت. (رنگ‌چی، 1373، 208-209)

همین‌طور در سرزمین سیستان نیز هنوز نشانه‌هایی از اعتقادات کهن مردم نسبت به سرو یافت می‌شود در کتاب سیستان اثر (ج-پ-تیت)<sup>1</sup> آمده:

"هنوز در سیستان سه یادگار دیگر که محققاً قدمت آنها به روزگار رواج آئین زرتشت می‌رسد موجود است. این یادگارها عبارتند از: درخت سروی که در حدود دو کیلومتری شمال روستای نوبیناد (درگ) و در ناحیه‌ی «هوکت» و در ناحیه جیرفت و چابهار است. بر طبق روایت‌های سنتی این سرو در روزگار خسرو انوشیروان ساسانی کاشته شده و می‌دانیم که سرو به کندی رشد می‌کند بنابراین سروهای مورد بحث برای رسیدن به تنومندی کنونی نباید کمتر از 1500 سال عمر داشته باشند. با مروری به آئین زرتشت درمی‌یابیم که در آموزه‌های او اهمیت ویژه‌ای به این نوع رستنی‌ها داده شده و بلندترین سروهای درگ سیستان با آنکه سرشاخه‌هایشان شکسته است، نزدیک به 20 متر ارتفاع دارند. شکی نیست که اگر نتوانیم بگوئیم که مردم سیستان این درختان را می‌پرستیده‌اند می‌توانیم به طور قطع باور کنیم که آنها را مورد احترام فراوان قرار می‌دادند، زیرا همین مردم اقسام مختلف درخت گز را نیز گرامی می‌داشته‌اند."

در داستانهای شاهنامه آمده است که رستم تهمتن با خوردن میوه درخت گز شفا یافته است. (همان) و همچنین گرشاسب (پادشاهی که دین زرتشتی در زمان او رواج یافت) برگرداگرد سرو کاشمر، تالار عظیمی برپا داشت و زرتشت، دیو را در این تالار به بند کشید.

پرستشکده گشت از ایشان بهشت

بیست اندرو دیو را زرتشت

<sup>1</sup>G-P-Tate

همچنین به این نکته برمی‌خوریم که بر هر یک از برگ‌های سرو کاشمر، نام گشتاسب نگاشته شده و اندرزی از پیشینیان دین خطاب به او آمده است. (کویاجی، 20.1362)

چینیان کهن نیز آئینهای ویژه‌ای در باب درخت سرو داشته‌اند و عقیده دارند که فرو رفته‌ترین ریشه‌های درختان سرو هزارسال قدمت دارد و به شکل عروسک نشسته‌ی خیمه شب‌بازی به بلندی 18 سانتی‌متر است وقتی که در این ریشه بریدگی ایجاد شود، شیرهای از آن بیرون می‌آید که اگر کسی آن را به کف پای خود بمالد خواهد توانست بر روی آب راه برود. این ریشه‌های عروسکی وار بیماری‌ها را نیز درمان خواهد کرد. (همان)

### چنار

درخت بلند و بی‌بری است که به طور عمر و آتش گرفتن از خود مشهور است. در ایران قدیم چنار مظهر غنا و باروری و سرسبزی طبیعت و موجب برکت و نعمت خدایان و ارواح بوده است. به اعتقاد عوام چنارهای کهن برکت و پرمحصولی را به زمین و خانواده می‌بخشند و موجب بارداری و سلامت زنان می‌شوند و از این جهت است که در برخی از مناطق چنارهای کهن، درخت مراد تلقی شده است. (حق‌پرست، 49.1382)

برگ چنار در شعر فارسی اغلب به کف دست تشبیه شده است:

آدمیزاد اگر در طرب آید نه عجب

سرو در باغ به رقص آمده و بید و چنار

هاتور، ایزد بانوی آسمان در اساطیر مصر را ایزد بانوی چنار نیز می‌خواندند، زیرا گاه در آستانه صحرا در میان شاخ و برگ این درخت پنهان می‌شد و با نان و آب به استقبال مردگان می‌شتافت. (همان)

اعتقاد عوام بر آن است که چنار دارای معجزاتی است و این امر چنار را مقدس می‌سازد. ان معجزات معمولاً برای بچه‌دار شدن، از بیماری رها شدن، رونق کار و محصول زمین و کشت و کار است. در واقع این چنارها بخشنندگان برکت و رونق‌اند. به همین خاطر است که بسیاری از مسجدها و امامزاده‌ها و در مورد زرتشتیان، پیرها، در کنار چنارهای عظیم بنا گشته‌اند و در بسیاری از روستاها و محلات شهرها به درخت چنار دخیل می‌بندند و از آنها انتظار معجزه دارند.

اما تنها عظمت و بزرگی و عمر طولانی چنار نیست که باعث تقدس آن شده است، بلکه جوان شدن هر ساله چنار به آن تقدس و حالتی ستایش برانگیز می‌بخشد. زیرا حفظ قدرت جوانی یکی از

شرایط لازم برای باروری است و در نتیجه آن را مظهر برکت و نعمت بخشیدن ابدی خدایان و ارواح می‌سازد. (بهار، 1384، 45)

«پادشاهان پارس پیوسته درخت چنار را گرامی می‌داشتند. به طوری که چنار زرینی را همراه با تاک زرینی در اتاق خواب شاه می‌نهادند و پارسیان آن را ستایش می‌کردند. زمانی که داریوش بزرگ در آسیای صغیر بود، به وی درخت چنار و تاک زرین هدیه دادند و هنگامی که خشیارشاه به جنگ یونان رفت در راه چنار عظیمی دید و فرمود تا آن را به زیورهای زرین بیاریند و آن را به نگهبانی به سپاهیان گزیده خود سپرد». (همان ص 46)

## انگور

تخم انگور (تاک، موز، رز) به روایت نوروزنامه برای اولین بار در زمان پادشاهی از اعقاب جمشید به نام شمیران کاشته شد. در اساطیر ایران انگور مظهر برای خون است که نیروی اصلی می‌باشد. قدیمی‌ترین یادآور تاریخی در مورد انگور گفته‌ی هرودوت در مورد دختر شاه ماد (مادر کوروش هخامنشی) است که در خواب می‌بیند که از شکمش تاکی روئید و تمام آسیا را پوشاند.

در بسیاری از نوشته‌های کهن تاک همراه با چنار آمده است، چنار مظهر شاه و تاک مظهر همسر اوست. به هم پیچیدن تاک و چنار نشانه‌ی دوام سلطنت از طریق خون است. در ادبیات مسیحی، کاشتن درخت انگور و ساختن شراب به حضرت نوح (ع) نسبت داده شده است.

در روایات دیگر هست که آدم و حوا اولین چیزی که در بهشت خوردند انگور بود. لاجرم در عیش و نشاط افتاده و آخر چیزی که خوردند گندم بود و دچار غم و اندوه شدند. از این رو گفته‌اند که انگور سبب نشاط و گندم میوه‌ی اندوه و محنت است. (باحقی، 1369، 108-107)

همچنین در ایران مظهر سلطنت الهی، درخت تناوری بود، که تاک به گرد آن درخت می‌پیچید. این درخت تناور معمولاً چنار بود که مظهر برکت بخشی الهی است و تاک، خاندان سلطنت، از این روی بدان می‌پیچید که سلطنت وابسته به نیروهای الهی بود. (بهار، 1375، 31)

دیونوس که به نام «باکوس» نیز معروف است در اساطیر باستانی روم و یونان خدای تاکستانها و شراب است. (حق پرست، 1383، 26)

در عهد عتیق آمده که قوم خداوند، درخت انگوری هستند که او از مصر باز آورد و بدو توجه کرد (مزمور 80، اشعیا، باب 5). عیسی فرمود: من تاک راستین ام، و پدر آسمانی تاک پوشیده است... من تاکم، شما خوشه های آنید. (یوحنا، باب 15)

در ادبیات فارسی، برخی از شاعران قصاید مفصلی در توصیف انگور پرداخته‌اند تا آنجا که این نوع اشعار در باب فارسی به «خمیره» شهرت یافته است:

مادر می را بکرد باید قربان

بچه‌ی او را گرفت و کرد به زندان

(محیط و احوال و اشعار رودکی 506)

اکنون صفت بچه‌ی انگور بگویم

کاین هر صفتی در صفت‌اش هذیان است

انگور به کردار زنی غالیه رنگست

و او را شکمی همچون یک غالیه دانست

(منوچهری 39) (باحقی، همان، 108)

در روایات هست که انگور از خون گاوی که به دست مهر کشته شده، رست و اختراع شراب را به جمشید نسبت داده‌اند. از این رو بعید نیست که شراب هم مانند گز، از مظاهر دین مهری بوده باشد. از آغاز ادبیات فارسی، انگور همواره با جنبه‌هایی از رمز و راز در هاله‌ای از معنویت و روحانیت مطرح شده است. (سیروس شمیسا، داستان رستم و اسفندیار، ص 38)

در یونان قدیم تاک درخت مقدس شناخته می‌شد و همچنین در نظر سایر اقوام باستانی معتقدانی خاص راجع به آب انگور و درخت مو بوده است. (محمدعلی اسلامی ندوشن، داستان داستانها، ص 226)

## امرداد

امشاسپندان یا پسران و دختران خدا که زرتشت از آنها با عنوان هفت وجود یا «جلوه» خدا یاد می‌کند و خداوند آنها را بر حسب اراده خود آفریده است. آنها عبارتند از: سپندمینو، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمد، خرداد و امرداد که به ترتیب به معنی روح نیکوکار، اندیشه نیک، راستی، شهریار، مطلوب، اخلاص، کمال و بیمرگی هستند.